



گزارشی کوتاه درباره کتاب

تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان

○ منیژه ربیعی

○ تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان

○ تألیف: محمدرضا ناجی

○ ناشر: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان،

چاپ اول، ۱۳۷۸

کتاب تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان از دو منظر اهمیت دارد:

نخست آن که، دوره امارت سامانیان به لحاظ دست‌آوردهای بی‌شمار علمی یکی از پرشکوه‌ترین و پربرترین دوره‌های تمدن اسلامی است. در این دوره سامانیان با اعلام وفاداری به خلافت بغداد و قبول مقام روحانی خلیفه عباسی به داعیه نگاهبانی از دین و سنت برخاستند و با دفاع از مرزهای شمالی در برابر تهاجم کافران صحرانورد زمینه‌ای فراهم ساختند تا مبلغان مسلمان به نشر و ترویج اسلام در ترکستان بپردازند. در این دوره علمایی در علوم شرعی، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه و کلام ظهور کردند و با حمایت امیران و وزیران خردمند سامانی علوم عقلی راه تکاملی پویید و دانشمندی بزرگ در رشته‌های گوناگون تربیت یافتند که آثاری در ریاضیات، نجوم، پزشکی، فلسفه، منطق، سیاست، تاریخ و جغرافیا آفریدند. از سوی دیگر، در زمان سامانیان و به پشتیبانی آنان، زبان و ادب فارسی جدید شکوفا شد. این امر از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرات شگرفی برجای نهاد و در نتیجه آن، پاره‌ای از آداب و آیین‌های کهن ملی زنده و برقرار ماند. نیز زبان پارسی با تشویق این دودمان ایرانی، روزگار کمال و شکوفایی خود را می‌گذراند و آثار فراوانی به نظم و نثر فارسی با اهداف گونه‌گون پدید آمد. زبان عربی هم با روی کرد «ایران بخارا»

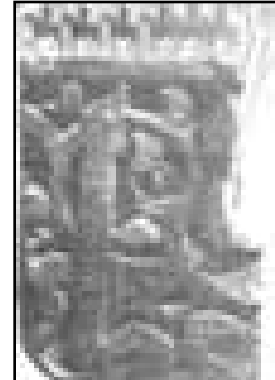
دوره امارت سامانیان به لحاظ دست‌آوردهای بی‌شمار علمی یکی از پرشکوه‌ترین و پربرترین دوره‌های تمدن اسلامی است

یکی از پرثمرترین دوره‌های خود را پشت سر می‌گذاشت و آثاری منظوم و منثور به عربی تألیف شد. برخی از مهم‌ترین و کهن‌ترین فرهنگنامه‌های موجود لغت عرب به دست دانشمندان ایرانی قلمرو سامانیان تدوین گردید.

در این دوره در نتیجه اتخاذ سیاست تسامح و تساهل و اعتدال، عقاید و فرق مختلف آزاد و آسوده به حیات خود ادامه دادند و جریان‌های فکری گوناگونی پدید آمد. این سعه‌صدر موجب تضارب افکار و مناظرات علمی گردید که به نوبه خود در پویایی حرکت فکری و تعالی عقلانی و همچنین پیدایی شمار فراوانی از آثار کلامی و فلسفی سهمی انکارناپذیر داشت. به علاوه نظام اداری و تشکیلات دیوانی منسجم و منضبط سامانیان سرمشقی برای سلسله‌ها و دولت‌های بعد گردید. امارت سامانیان آخرین سلسله ایرانی در خاوران بود که در عرصه سازگاری قومی و محلی با آموزه‌های دینی با ارائه تصویری از فرهنگ فرانکر اسلامی و بنای نظامی مبتنی بر این دیدگاه به کوششی موفق دست یازید.^۱

دوم آنکه، این کتاب اطلاعات جامع و کاملی درباره تاریخ سیاسی و جنبه‌های مختلف تمدنی سامانیان به دست می‌دهد. که گردآوری این اطلاعات در یک کتاب کم‌نظیر است. علاوه بر آن نویسنده در تألیف این کتاب از بیشتر منابع اصلی، تحقیقی و عمده این دوره از تاریخ ایران بهره برده است. به این جهت کثرت منابع مورد استفاده، علاوه بر غنای کتاب از جهت موضوعات و مطالب، این کتاب را از نظر منبع‌شناسی دوره سامانیان نیز ممتاز گردانیده و بر ارزش آن افزوده است.

نگاهی گذرا به فصل‌بندی‌های اثر، شمایی از کار محققانه را روشن می‌سازد.



سامانیان... با دفاع از مرزهای شمالی در برابر تهاجم کافران صحرانورد، زمینه‌ای فراهم ساختند تا مبلغان مسلمان به نشر و ترویج اسلام در ترکستان بپردازند

فصل اول؛ بررسی کوتاهی از تاریخ سیاسی سامانیان دارد. سپس به خاستگاه این خاندان و ساختار امارات سامانیان پرداخته است. آنگاه دربارهٔ دین و دولت این دوره و رابطه امرای سامانی با دربار خلافت بغداد بررسی ارزشمندی صورت گرفته است.^۲ سپس نویسنده تحت عنوان «بخارا» به جنگ‌ها، لشکرکشی‌ها و اوج و فرود شاهان سامانی پرداخته است.

فصل دوم؛ در این فصل نویسنده به جغرافیای سیاسی قلمرو سامانیان توجه کرده و اطلاعات گسترده‌ای را دربارهٔ «بخارا» به عنوان پایتخت سامانیان داده و در این زمینه، آب و هوا، بافت شهری، حتی مشکلات شهری پایتخت سامانیان را نیز مدنظر قرار داده است. در قسمت دوم این فصل به خراسان بزرگ عصر سامانی پرداخته شده که شامل جغرافیای طبیعی، موقعیت اقتصادی و سیاسی این ناحیه مهم است.^۳ در قسمت سوم این فصل حکومت‌های محلی و شهرهای امیرنشین تابع این سلسله که عبارت بودند از گرگان و طبرستان، جو زجان، چغانیان، ختل، خوارزم، غرچستان، بُست، غزنه و کرمان را محققانه توصیف می‌کند و در عین حال به شرح کافی درباره امرای محلی و درگیری‌هایشان با شاهان سامانی و نحوه تفوق سامانیان بر ایشان پرداخته است.^۴

فصل سوم؛ دیوانسالاری در دورهٔ سامانی را موردتوجه قرار می‌دهد که در آن به نحوه رتق و فتق امور می‌پردازد. سپس دربار و دیوان، هریک جداگانه و موشکافانه بررسی می‌شود. ابتدا واژه «دربار» و پس از آن به عناوین درباری و موقعیت‌ها و شغل‌های این دستگاه اشاره می‌شود. در بخش دیوان، دیوان‌های متعدد سامانیان موردتوجه قرار می‌گیرد. دیوان وزارت با مسوولیت وزیر و شرح وظایف این مقام بیان شده است. آنگاه وزیران سامانی که از جمله رجال شاخص تاریخ ایران می‌باشند معرفی شده‌اند.^۵ سپس نویسنده توضیحات بایسته‌ای درباره دیوان‌های اشراف، رسائل، شرطه، برید، قضا، حسیبه، اوقاف، سپاه، مملکت خاصه (دیوان ضیاع) و دیوان آب می‌دهد و در عین حال اصطلاحات خاص هریک از دیوان‌ها را به درستی مورد شناسایی و ارزیابی قرار می‌دهد.^۶ فصل چهارم؛ در این فصل به آموزش و نهادهای آموزشی پرداخته شده است و موضوعات آن آموزش ابتدایی، مربیان و مؤذبان، آداب تعلیم و تربیت، برنامهٔ آموزشی، جایگاه استادان و دانشمندان، زنان عالیه، روش‌های آموزشی و نهادهای آموزشی می‌باشند. سپس مؤلف به شهرهایی که مراکز علم و آموزش بوده‌اند پرداخته، نام شهرها و تعداد مراکز تربیتی و پرورشی و کتابخانه‌ها را با دقت تمام آورده است. به عنوان مثال از شهرهایی چون بخارا، نیشابور، غزنه، بوزجان، بُست و مرورو نام می‌برد.

فصل پنجم؛ در این فصل نویسنده به علوم رایج آن عصر پرداخته، طبقه‌بندی علوم در این دوره را بازگو می‌کند. در دوره سامانی به دلیل گستردگی علوم، دانشمندان ناگزیر شدند آنها را در یک ساخت موزون و هماهنگ تنظیم کنند. نخستین کسی که در کتاب از او صحبت شده، فارابی و سپس رازی و در دنباله، دیگر دانشمندان این عصرند. علوم طبقه‌بندی شده در این دوره عبارت بودند از:

۱- علوم شرعی - شامل قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، کلام،

اخلاق، عرفان و تصوف با جزئیات مربوط به آن.
۲- علوم عقلی - شامل ریاضیات، فلسفه، پزشکی، سیاست، جغرافیا، تاریخ که بررسی کاملی از فلاسفه، ریاضیدان‌ها، پزشکان، مترجمان و مؤلفان، تاریخنگاران و جغرافی‌نویسان را نیز شامل می‌باشد.

۳- علوم ادبی - شامل زبان و ادب فارسی؛ شعر غنایی، شعر روایی و تعلیمی، شعر حماسی و شاهنامه‌های منثور، نثر و سبک‌های ادبی این دوره. پس از آن به زبان و ادب عربی، لغت و تدوین لغتنامه‌ها، شعر، نثر عربی توجه شده است. در ادامه به دبیران و نثرنویسان پرداخته می‌شود.^۷

فصل ششم؛ ادیان و فرق در این فصل بررسی می‌شود که شامل ادیان پیش از اسلام و بقایای آن (مانند آیین‌ها و ادیان بودایی، یهود، مسیحیت، مرقونیه، دیصائیه، زردشتی، مانوی، به آفریدیان، مُسلمیه، خرمدینان و سپیدجامگان است)، آنگاه فرق اسلامی (مانند شیعه، اسماعیلیه، کرامیه، خوارج) به دقت بررسی می‌گردند.

در فصل هفتم وضع اجتماعی در زمان سامانیان مورد بررسی قرار گرفته و طی آن به خاندان‌های قدیمی ایران (مانند اهل بیوتات - دهقانان) و شخصیت‌های علمی که از میان این خاندان‌ها برخاسته‌اند توجه شده است. در این فصل همچنین ترک‌ها و عرب‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پایان به آداب و آیین‌های آن زمان مانند جشن نوروز، مهرگان، سده و نیز بازی‌ها، داستان‌سرایی‌ها، آداب ازدواج و تدفین توجه شده است و حتی محصولات کشاورزی، موادغذایی، پوشاک و خوراک مرسوم قرن سوم از نظر دورنمانده است.^۸

کتاب مورد نظر که از لحاظ محتوا دارای جامعیت و از نظر پرداخت مطالب بسیار استوار است، در حقیقت پایان‌نامه دورهٔ دکتری مؤلف است، که به منظور تشویق نویسنده، در مجمع علمی «تمدن» تاریخ و فرهنگ سامانیان» به چاپ رسید. سپس در ۱۳۷۹ در مراسم کتاب سال نیز مورد تشویق قرار گرفت و این همه برای تشویق محققان جوان این مرز و بوم به ادامه کار پژوهش است. اما با تمام این ارزش‌گذاری‌ها، متأسفانه در بازار نشر و چاپ نشانی از این کتاب نمی‌توان دید و در کتابفروشی‌ها نیز یافت نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ناجی محمدرضا؛ تاریخ تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، چاپ مجمع علمی، تاریخ تمدن و فرهنگ سامانیان، تهران ۱۳۷۸ شمسی، پیشگفتار ص ۱۳-۱۶.
۲. همان، صص ۱۷-۳۸.
۳. همان، صص ۳۸-۹۲-۱۰۹.
۴. همان، صص ۱۱۰-۱۶۴.
۵. همان، صص ۱۶۸-۲۱۰.
۶. همان، صص ۲۱۰-۳۰۰.
۷. همان، صص ۴۷۷-۶۰۴.
۸. همان، صص ۶۷۵-۶۸۰.